



بدشانس ترین دولت بعد از انقلاب

گفت وگو با محمد مهاجری
درباره کارنامه یک ساله مسعود پزشکیان



بازسازی یا تبلیغات؟

بررسی روند نو سازی مسکن های آسیب دیده جنگ
از سوی شهرداری تهران



تداوم چرخه بحران؟

تحلیلی از پل سالم کارشناس ارشد مؤسسه خاورمیانه
درباره چشم انداز تحولات منطقه



جنگ دو قدرت هسته ای بر سر آب

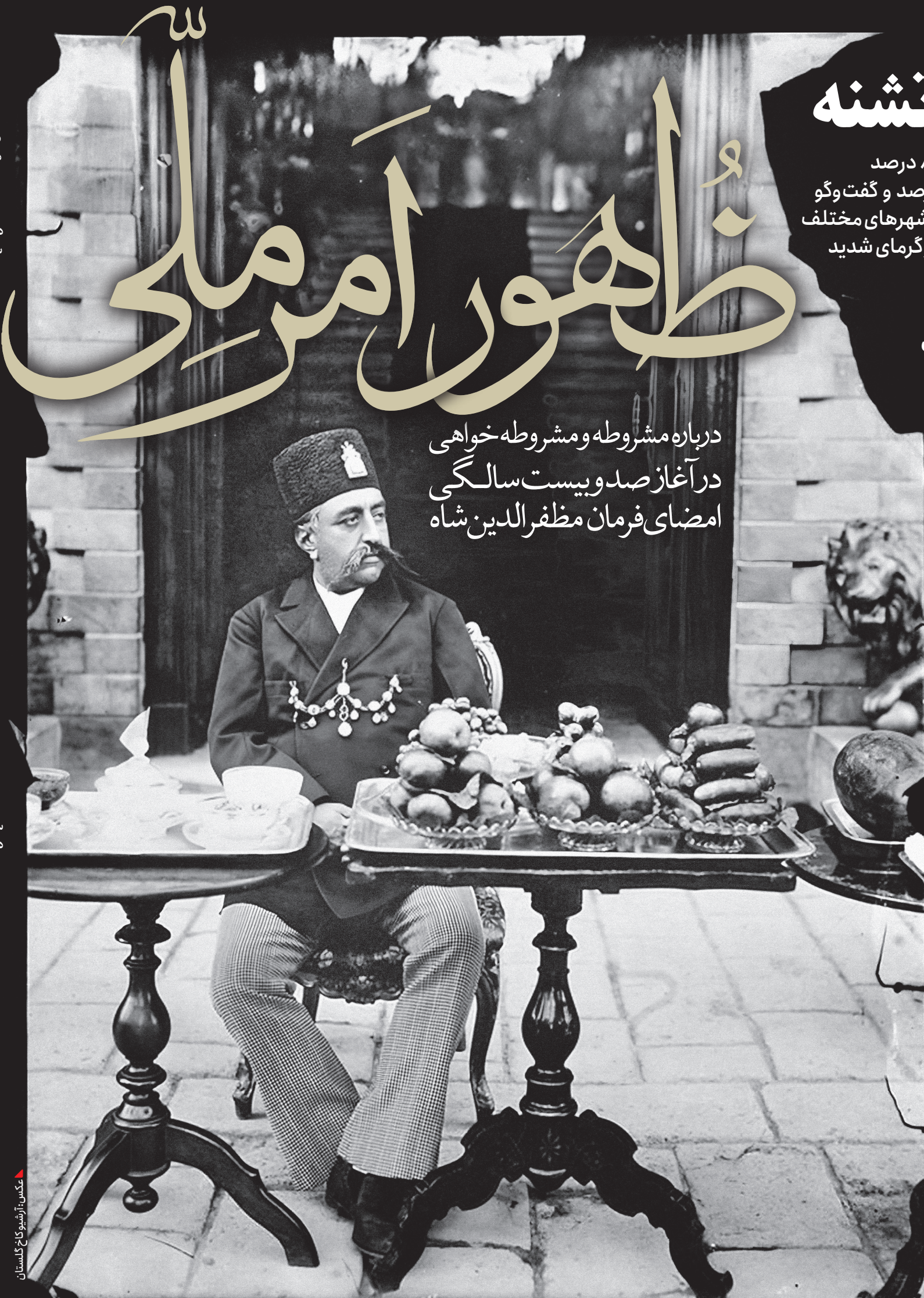
بررسی تبعات خطرناک فروپاشی معاهده آبی هند و پاکستان

نگاه
هم میهن

مشروطه ملی

فرزاد نعمتی، نویسنده گروه فرهنگ: مشروطه را به درستی آغازگاه ایران مدرن دانسته اند، اما اغلب این نوید با گزاره «انقلاب ناقص» به یأس می گراید. هر دسته ای نیز از ظن خویش یار این داعیه می شود. محافظه کاران سنتی از این سخن می گویند که این انقلاب رپوده شد و به دست غریب دکان افتاد و تجدد خواهان بر این باورند که در سایه استمرار موارث مرد در یک سنت، نه بساط استبداد بر چیده شد، نه استقلال تحقق یافت و نه حقوق ملت استیفا شد. شرحی ست جانگداز، این نمایش بر صحنه تاریخ رفته؛ آمیخته به شور عدالتخانه و حماسه مقاومت در برابر استبداد صغیر و فتح تهران تا تراژدی غائله یارک اتابک و رویارویی تلخ برادران مجاهدی که تا دیروز در سنگر مشروطه، هم نفس بودند و اینک هر یک دلتنگ تر از آن روزهای خوش اتحاد، جز زبان خشم تفنگ، نمی توانستند به نوایی خوش برسند و سازهایشان را به خدمت ارکستر «امر ملی» در آورند. بعدتر با گشوده شدن دوباره زخم «مغایرت ملت و دولت» برخی را این پندار تسخیر کرد که مشروطه هم خواب و خیالی بود و بس. گفتند مگر نه اینکه آخوندزاده سی و پنج سال پیش از انقلاب در نامه ای به میرزا یوسف خان مستشار الدوله رفع همین مغایرت را «از واجبات» دانسته و نوشته بود «نهایت منافع ملت و آبادی مملکت و وطن مقتضی آن است که در میان ملت و سلطنت اتحاد و الفت پیدا شود». فرخی یزدی از جمله همین منتقدان بود که سال ها پس از مشروطه سرود: «دولت هر مملکت در اختیار ملت است/ آخر ای ملت، به کف کی اختیار آید ترا؟» قضای روزگار را اینگر که همین فرخی یزدی در کنار عارف قزوینی و یحیی دولت آبادی از جمله نخستین کسانی بود که لفظ «ناقص» را بر آن جنبش الصاق کرد و حتی از «شهادت» آن سخن گفت: «انقلاب ما چو شد از دست ناپاکان» «شهید»/ نیست غیر از خون پاکان خونبهای انقلاب».

عکس: آرشو کاخ گلستان



درباره مشروطه و مشروطه خواهی
در آغاز صد و بیست سالگی
امضای فرمان مظفرالدین شاه

گزارش
جامعه
۱۳-۱۴

ایران تشنه

بررسی خالی شدن ۸۰ درصد
سدهای ایران تا ۲۰ درصد و گفت وگو
با کارشناسان و مردم شهرهای مختلف
درباره وضعیت آب در گرمای شدید

سرمقاله

ماجرای متفاوت آب

ناترازی پیش آمده در ماجرای آب به کلی با کمبود برق متفاوت است. حداقل از این جهت که برق را نمی توان ذخیره کرد. در حالی که آب را می توان و اگر کمبودی در آب بود با صرفه جویی شدید آن را جبران کرد و اجازه نداد که کمبود آب به مرحله بحرانی و خطرناک برسد. این کار از طریق سازوکار علمی و محاسبات روشن کاملاً شدنی است. در مورد برق، تولید آن منوط به سرمایه گذاری است. اگر بخواهیم که مثلاً طی دو سال ۱۰ درصد بر تولید برق کشور اضافه کنیم، به راحتی می توان سرمایه لازم و منابع سوخت کافی را محاسبه کرد و در صورت وجود، با چند ماه بالا و پایین این برق را وارد شبکه کرد. همه چیز با دقت تمام قابل محاسبه و پیش بینی است. حتی مصرف هم با دقت قابل پیش بینی است؛ مگر اینکه گرمای هوا بیش از انتظار کم یا زیاد شود که قطعاً روی مصرف برق اثر دارد که امسال چنین نبوده است. پس وزارت نیرو باید پاسخگوی وعده های خود درباره نداشتن کسری برق در تابستان باشد. شاید بگویند که فلان شرایط فراهم نشده یا ریشه های ناترازی برق مربوط به گذشته است؛ اینها، کافی نیست. گذشته، گذشته است و وعده های وزارت بر اساس همان واقعیات داده شده است و می توانستند وعده ندهند. هر چند در همان زمان هم کارشناسان معتقد بودند که این وعده ها تحقق یافتنی نیست. بنابراین، مدیریت برق کشور باید پاسخگوی وعده های صریح خود باشد. ولی برق در عین اهمیت داشتن، در برابر آب امری فرعی محسوب می شود. وضعیت آب در برخی شهرها به جایی رسیده که حتی با تصمیمات عجیب و غریب مواجه شده ایم؛ مثل بستن دستشویی های عمومی که امیدواریم نادرست باشد.

اندیشه
سیاسی
۲۰۳
۱۶۴۱۱۴

با نوشته هایی از: محمدجواد غلامرضا کاشی / احمد زیدآبادی / موسی اکرمی / عارف مسعودی / حمید ملک زاده / محدثه جزائی
امیر رضائی پناه / مختار نوری / علی هادوی / علی حسینی / ابراهیم ایوبی / شایان هوشیار / آرش ملکی